

تغییر مبدأ تقویم شمسی از هجری به شاهنشاهی در دوره محمدرضا شاه

محمود سادات بیدگلی*

مریم مدنی جاوید**

چکیده

در دوره محمدرضا شاه باستان‌گرایی شدید حکومت و تبلیغ اندیشه شاهنشاهی دیده می‌شود. شاه و اطرافیانش تصمیم گرفتند تا از سرمایه نمادین یعنی همان اندیشه باستان‌گرایی بیش‌ترین بهره را ببرند. یکی از این اقدامات، تغییر مبدأ تقویم شمسی کشور از هجری به شاهنشاهی با مبدأ سلطنت کوروش بود. هدف پژوهش حاضر بررسی روند تغییر مبدأ تقویم شمسی از هجری به شاهنشاهی در دوره پهلوی دوم و در پی رسیدن به پاسخی مناسب به سؤال اصلی این پژوهش است که زمینه‌ها، اهداف و روند تبدیل تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی چه بود و آیا شاه با تغییر تقویم کشور از هجری (رویدادی مذهبی) به شاهنشاهی (رویدادی ملی) در پی مشروعیت بخشیدن به حکومت خود بود یا در فکر ضدیت با مذهب بود؟ روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی است. شاه در سال ۱۳۵۴ش

*استادیار گروه تاریخ، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول)، m.sadat@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی،

madani71.m@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۳۰



هم‌زمان با جشن پنجاهمین سالگرد سلطنت خاندان پهلوی، تقویم کشور را تغییر داد. شاه با این کار در پی مشروعیت بخشیدن به قدرت خود چه در داخل کشور چه به غربی‌ها بود و درصدد اهانت به دین اسلام نبود؛ اما در عمل، شاه یک نماد اسلامی را حذف و یک نماد ملی را جایگزین کرده بود و این عمل باعث خشم نیروهای مذهبی شد.

کلیدواژه‌ها: تقویم، تقویم هجری شمسی، تقویم شاهنشاهی، باستان‌گرایی.

۱. مقدمه

حکومت پهلوی که در سال ۱۳۲۰ش/۱۹۴۱م، روی کارآمد گرایش‌های ناسیونالیستی داشت. از مهم‌ترین مؤلفه‌های ناسیونالیسم، باستان‌گرایی است؛ تعلق خاطر به تاریخ باستان موجب گشت تا تصمیماتی در این زمینه اتخاذ شود. یکی از این اقدامات، تغییر تقویم هجری شمسی به تقویم شاهنشاهی در سال ۱۳۵۴ش/۱۹۷۶م بود.

جامعه‌شناس فرانسوی پیر بوردیو معتقد است در جامعه چهار نوع سرمایه وجود دارد که یکی از آن‌ها سرمایه نمادین است و معتقد است که طبقه مسلط بیش‌ترین سرمایه نمادین را در اختیار دارد. او در مطالعات خود به ابعاد نمادین زندگی اجتماعی و سیاسی توجه ویژه‌ای کرده و به این نتیجه رسیده که در جوامع جدید، اشکال سلطه از صورت اجبار فیزیکی به اشکال نمادین تغییر کرده است. سرمایه نمادین، نمایانگر راهی برای مشروع‌سازی روابط قدرت از طریق اشکال نمادین است که گروه‌های سلطه‌گر از این طریق اعتبار و اقتدار خود را تثبیت می‌سازند. آنچه نمادها را قدرتمند می‌سازد کاربست عملی آن توسط روشنفکران و هیئت‌های تولیدکننده نماد است.

حکومت پهلوی در تغییر مبدا تقویم، با استفاده از نمادهای باستان‌گرایانه استفاده کرد و یک نماد اسلامی را کنار گذاشت. این تغییر دفعتاً ایجاد نشد بلکه زمینه‌هایی داشت که از سال‌ها قبل شروع شده بود. پیشنهاد این تغییر توسط دربار مطرح و با استقبال محمدرضا شاه روبه‌رو گشت. از آنجایی که تاکنون پژوهش مستقلی در زمینه تغییر تقویم انجام نشده است هدف این پژوهش، بررسی زمینه‌ها، اهداف و روند تبدیل تقویم شمسی به شاهنشاهی است و اینکه شاه با استفاده از این سرمایه نمادین در پی کسب مشروعیت بود یا اینکه در ضدیت با دین این اقدام انجام گرفت؟ روش این پژوهش توصیفی تحلیلی و مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی و منابع اصلی است.

سارا شریعتی در مقاله خود اذعان دارد که تقویم هجری شمسی قبل از سال ۱۳۵۴ ش دارای پنجاه و پنج مناسبت بود اما بعد از تغییر کردن تقویم از هجری به شاهنشاهی، تعداد این مناسبت‌ها به صد و بیست مناسبت افزایش یافت. اکثر این مناسبت‌ها مربوط به خاندان پهلوی بود. هم‌چنین رویدادهای باستانی و مرتبط با تاریخ پادشاهی ایران مانند هفته ایران باستان، روز سروش آریامهر و آغاز جشن مهرگان در تقویم شاهنشاهی به وجود آمد. پژوهشگر پس از بررسی تقویم‌های سال ۱۳۵۲، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ به این نتیجه رسید که تقویم‌های چاپ‌شده به سفارش بانک ملی تمام این رویدادها مانند روز سروش آریامهر یا آغاز جشن مهرگان را دارد و هم‌چنین از مناسبت‌های مذهبی در این سال‌ها نیز کاسته نشده است و تغییر خاصی در این سال‌ها در مناسبت‌های تقویم اتفاق نیفتاده است. در مقاله سارا شریعتی تقویم‌هایی مورد بررسی قرار گرفته که تمام مناسبت‌ها در آن ذکر نشده است و این اشکال این مقاله است. جز مقاله مذکور، پیشینه پژوهشی برای این موضوع یافت نشد. آنچه نوشته شده از سنخ منابعی است که به مطالب دیگری هم پرداخته‌اند و به تغییر تقویم نیز هم؛ که از این آثار به‌عنوان منبع بهره برده شده است اما این آثار، پیشینه پژوهشی در این باب نیستند.

۲. باستان‌گرایی

پس از سقوط سلطنت رضاشاه در شهریور ۱۳۲۰ / اوت ۱۹۴۱، محمدرضا پهلوی، شاه ایران شد. او پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۱۹ اوت ۱۹۵۳، قدرت خود را تثبیت کرد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های محمدرضا پهلوی، توجه به باستان‌گرایی بود.

ایرانیانی که در نتیجه آشنایی با تمدن غربی متوجه عقب‌ماندگی جامعه خود از قافله علم و تمدن شدند، با استفاده از ایدئولوژی‌هایی مانند ناسیونالیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم خواستار اصلاح جامعه بودند. باستان‌گرایی یکی از مؤلفه‌های اصلی مفهوم ناسیونالیسم است. «باستان‌گرایی به معنای احیا و تجدید سنت‌ها و عقاید کهن و باستانی است و در پی آن است که فضای مربوط به گذشته را بازآفرینی کند و ایدئولوژی جدیدی بسازد تا به اهداف و مقاصد خود دست پیدا کند.» (بیگدلو ۱۳۸۰: ۱۹-۳۲)

محمدرضا شاه، از سویی به تمدن غرب توجه داشت و بزرگ‌ترین آرزوی او رساندن ملت ایران به دوران تمدن بزرگ بود و در این راستا معتقد بود باید بر اساس جهان‌بینی ایرانی، اجزای مدنیت و فرهنگ ملی خود را با بهترین اجزای تمدن و فرهنگ جهانی

در آویزیم و با انقلاب سفید، جامعه ایرانی را از صورت قرون وسطایی به صورت یک جامعه پیشرو و کوشا در عرصه جهانی درآوریم. (پهلوی ۱۳۵۶ الف: ۷۰-۲۴۸)

محمدرضا شاه علاقه‌مند به تاریخ گذشته ایران بود. نشانه‌هایی از این دو ویژگی را می‌توان در کتاب «مأموریت برای وطنم» دید. او ایرانیان را که نژاد آریایی دارند با نژاد قسمت بزرگی از ملل اروپایی و آمریکایی یکی می‌دانست و از نظر او تمدن غربی با ایرانیان قرابت و خویشاوندی داشت و هم‌چنین معتقد بود پاره‌ای از اصول تمدن جدید غربی از ایران باستان شروع شده است. (پهلوی ۱۳۴۹ ب: ۲۰-۵۱) این حس برتری گذشته ایران در وجود محمدرضا شاه به گونه‌ای بود که حتی کسانی که با او مصاحبه می‌کردند مانند مارگارت لاینگ (margaret laing) روزنامه‌نگار انگلیسی که با شاه مصاحبه کرد، متوجه این برتری بینی می‌شدند. (لاینگ ۱۳۷۱: ۱۳-۲۵)

پژوهشگران حوزه باستان‌گرایی یکی از اهداف باستان‌گرایی در ایران را، تفکیک دو دوره از تاریخ ایران می‌دانند که عبارت‌اند از تاریخ باستان و تاریخ دوره اسلامی. این دیدگاه ایران باستان را در اوج عظمت قرار داده و به ستایش آن می‌پردازد اما ایران دوره اسلامی و تصرف ایران به دست اعراب را علت همه بدبختی‌ها عنوان می‌کند. (بیگدلو ۱۳۸۰: ۲۰)

در دوره پهلوی دوم این نوع باستان‌گرایی وجود داشت و کارکرد مشروعیت‌سازی برای نظام شاهنشاهی پیدا کرد. طرفداران این تفکر، راه پیشرفت و تجدد را در ناسیونالیسم اقتدارگرایانه و متمرکزی می‌دانستند که بتواند به سرعت مشکلات را حل کرده و تجدد را به کشور منتقل کند. (عامری ۱۳۹۵: ۲۶)

طبق نوشته‌های محمدرضا پهلوی، نظر وی نسبت به دین اسلام منفی نبود و در کتابش، حمله مغول را یکی از بزرگ‌ترین بلایای تاریخی می‌دانست نه حمله اعراب را. (پهلوی ۱۳۴۹ ب: ۲۵) اما همین علاقه محمدرضا شاه به باستان‌گرایی سبب گردید تا در طول حکومت او اقداماتی در جهت اعتلای تاریخ باستان انجام شود. تغییر تقویم هم در این دوره در راستای همین باستان‌گرایی حکومت قابل ارزیابی است.

برای پیاده کردن ایده باستان‌گرایی حکومت باید هزینه می‌کرد و آن نیز مستلزم داشتن درآمد بالا بود تا بتواند به اهداف خود دست یابد. افزایش قیمت نفت به پیشبرد این اقدامات کمک فراوانی کرد. (نجاتی ۱۳۷۳: ۵۲۸/۱) کل درآمدهای نفتی در سال‌های ۱۳۴۳-۱۳۵۳ ش / ۱۹۶۴-۱۹۷۴ م سیزده میلیارد دلار بود و از سال ۱۳۵۳ ش / ۱۹۷۴ م تا ۱۳۵۶ ش / ۱۹۷۷ م به سی و هشت میلیارد دلار رسید. (آبراهامیان ۱۳۹۲: ۵۲۵)

رشد درآمد نفت موجب گشت تا استقلال مالی و قدرت سیاسی دولت نسبت به جامعه افزایش یابد و هم‌چنین واقع‌بینی و حزم و احتیاط را در شاه و اطرافیانش از بین برود. (همایون کاتوزیان ۱۳۷۳: ۲۸۶) افزایش قیمت نفت اعتماد به نفسی به شاه داد تا او تصمیماتی اتخاذ کند بدون این‌که به تبعات این تصمیمات بیندیشد؛ از جمله برگزاری جشن تاج‌گذاری، برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی، برگزاری جشن پنجاهمین سال سلطنت پهلوی‌ها و تغییر تقویم از شمسی به شاهنشاهی.

در سال ۱۳۳۶ش/۱۹۵۷م اسرائیلی‌ها تصمیم گرفتند به منظور آزادی و رهایی ملت یهود از اسارتشان در بابل توسط کوروش، کنگره‌ای با شرکت تاریخ‌دانان در سال ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱ برگزار نمایند. تاریخ‌نویسان و شرق‌شناسان ایرانی هم به این اجلاس دعوت شدند. شجاع‌الدین شفا مشاور فرهنگی شاه به همراه تاریخ‌شناس معروف (به احتمال زیاد سعید نفیسی باشد، در اسناد نامی از این شخصیت نیامده است) پیشنهادی به شاه ارائه کردند مبنی بر اینکه به جای آنکه اسرائیلی‌ها این بزرگداشت را برگزار کنند، خود ما با تأکید بر ارزش‌های والای کوروش کبیر، به سلطنت رسیدن او را جشن بگیریم تا نشان دهیم که سلطنت در ایران منشائی اصیل و تاریخی دارد. (نراقی ۱۳۸۲: ۵۹)

شجاع‌الدین شفا یکی از روشنفکران تولیدکننده نماد و هم‌چنین مهم‌ترین مشوق شاه در برگزاری این جشن بود. او معتقد بود: «این جشن باعث شد تا همگان متوجه شوند که دوران انحطاط و حقارت ایران برای همیشه به پایان رسیده است.» (شفا ۱۳۷۹: ۱۲۱)

به این ترتیب فکر برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی در ذهن باستان‌گرای محمدرضا پهلوی خطور کرد. در ۲۴ اسفند ۱۳۳۷/۱۵ مارس ۱۹۵۹، به فرمان شاه جزوه‌ای شامل رئوس و مواد کلی طرح مربوط به برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصد سال بنیاد شاهنشاهی ایران به دست کوروش کبیر که در پاییز سال ۱۳۴۰ش/۱۹۶۱م، عملی می‌شد، تحت اختیار برگزارکنندگان قرار گرفت.

برای همراه کردن مردم با خود، به روزنامه‌ها دستور داده شد تا درباره تاریخ شاهنشاهی کهن ایران مقالاتی به چاپ برسانند و اخبار مربوط به برنامه برگزاری جشن را انتشار بدهند. (جشن‌های... ۱۳۷۷: ۱/ ۱۴۰) با وجود هزینه‌های فراوان و دستور شاه این مراسم در نهایت با چهارده سال تأخیر برگزار شد. جشن از ۲۱ تا ۲۷ مهرماه سال ۱۳۵۰/۱۳ تا ۱۹ اکتبر ۱۹۷۱م برگزار شد.

در این سال‌ها، کتاب‌های بسیاری درباره تاریخ شاهنشاهی ایران به چاپ رسید و بیش‌تر این کتاب‌ها با حمایت حکومت به چاپ رسیدند. یکی از این کتاب‌ها «تقویم تاریخی فرهنگی هنری ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران» تألیف محمدجواد بهروزی بود. این اثر که به صورت فهرست‌وار، شروع و پایان دوران پادشاهی هر پادشاه ایران را نوشته است، سال‌شمار پادشاهی کوروش را این‌گونه نوشته است؛ شاهنشاهی ۱/قبل از میلاد ۵۳۹/قبل از هجرت ۱۱۶۰. (بهروزی ۱۳۵۰: ۱۰) با این‌که این کتاب دارای اشتباهات بسیاری بود اما پس از تصحیح آن را به مناسبت جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی چاپ کردند. (ساکما، ۲۰۹۶-۲۶۴)

۳. زمینه‌های تغییر تقویم

مهم‌ترین رکن هرگاه‌شماری مبدأ آن است. در مسیحیت، تاریخ تولد عیسی مسیح و در اسلام تاریخ هجرت پیامبر از مکه به مدینه، مبدأ تقویم قرار گرفته است. تغییر دادن مبدأ تقویم می‌تواند تبعات خاصی به همراه داشته باشد زیرا این مبدأ خود یکی از نمادهای اسلامی-شیعی جامعه ایران بود.

۳.۱ زمینه‌های فرهنگی تغییر تقویم

از اولین افرادی که با انتشار گاهنامه خود، مبدأ تقویم را تغییر داد، سید جلال‌الدین طهرانی یکی از منجمین تهران بود. او که در سال ۱۳۰۱ش/۱۹۲۲م گاه‌شماری با مبدأ به تخت نشستن احمدشاه ابداع کرده بود در سال ۱۳۰۶ش/۱۹۲۷م، نوعی گاه‌شماری پیشنهاد کرد که مبدأ آن آغاز پادشاهی فرضی کوروش هخامنشی بود. مبدأ این گاه‌شماری سال ۵۰۰ ق.م و در نتیجه اختلاف آن با مبدأ گاه‌شماری شمسی ۱۱۲۰ سال بود. نام ماه‌ها در این گاه‌شماری نام‌های ابداعی او بود و سایر ارکان گاه‌شماری او همانند گاه‌شماری جلالی بود. (قاسملو ۱۳۸۲: ذیل مدخل «تقویم» ۸۳۵/۷)

مجله سخن به صاحب‌امتیازی پرویز ناتل خانلری، در شماره یازده خود در آذر ۱۳۳۲/دسامبر ۱۹۵۳ پرسشی را از استادان و دبیران تاریخ و دانشمندان دیگر پرسید که آن بیان مشکل چند تقویمی در کشور بود که محتوای آن را زمینه‌سازی برای تغییر تقویم می‌توان دانست. یکی از دشواری‌هایی که شاگردان ایران در آموختن تاریخ با آن روبرو هستند این است که تاریخ وقایع در کتاب‌ها مبدأ واحدی ندارد. وقایع ایران با سه مبنای مختلف ذکر شده است، حوادث مربوط به پیش از اسلام با سال‌های پیش از میلاد مسیح یا پس‌از آن تعیین می‌گردد، مبدأ تاریخ حوادث پس از اسلام هجرت پیغمبر است. تا سال

۱۲۹۷ش/۱۹۱۸م، تاریخ‌ها قمری است و پس‌از آن تاریخ شمسی می‌شود. این اختلاف در مبدأ تاریخ موجب می‌شود که حوادث تاریخی ایران و جهان در ذهن شاگردان، توالی و ترتیب لازم را پیدا نکنند. برای رفع این مشکل چه می‌توان می‌کرد؟ آیا می‌توان همه حوادث تاریخی را با ذکر مبدأ واحدی بیان کرد؟ (مجله سخن ۱۳۶۳: ۸۶۷)

یکی از استادانی که پاسخی برای مجله سخن فرستاد، سیدحسن تقی‌زاده بود، او که خود پیشینه تحقیقی درباره تقویم داشت پاسخ داد:

یکنواخت کردن تاریخ‌گذاری کاری مطلوب و مفید است چون تاریخ مبنی بر سال قمری را نه بر عصر حاضر که حالا تاریخ شمسی را قبول کرده است و نه بر وقایع قبل از اسلام می‌توان توسعه داد، پس برای قبول مبدأ واحد باید یا تاریخ میلادی را پذیرفت و یا تاریخ شمسی را برای وقایع قبل از اسلام و بعد از اسلام استعمال کرد. (تقی زاده ۱۳۸۱: ۳۶۶) از نظر تقی‌زاده، قبول کردن تاریخ میلادی در صورت موافق ساختن افکار عامه ترجیح داشت. این در صورتی بود که تقی‌زاده در سال ۱۳۰۰ش/۱۹۲۱م در مجله کاوه استعمال تاریخ میلادی را مایه ننگ می‌دانست (کاوه، ۲۱ فروردین ۱۳۰۰، دوره جدید، ۴/ ۶-۹) زیرا در آن مقطع هنوز تاریخ هجری شمسی رسمی نشده بود و او در پی این بود که ایران از تاریخ شمسی استفاده کند.

در سال ۱۳۵۲ش/۱۹۷۳م، کتابچه‌ای منتشر شد که عنوان روی جلد آن چنین بود: «مبدأ تاریخ ایران می‌باید تغییر پذیرد، تاریخ هجری قمری و شمسی نمی‌تواند شناسنامه حیات معنوی ایران باشد.» این کتاب به قلم فروغ حکمت بود. در این کتاب اشاره شد چرا ایران تاریخ چهارده‌هزارساله خود را به فراموشی سپرده است و به جای آن مبدأ تاریخ چند قرنی دیگران را برگزیده است که این مبدأ، سال‌شمار دینی و تاریخ تازی (عربی) است. (حکمت ۱۳۵۲: ۱)

او معتقد بود که یکی بودن مبدأ تاریخ اسلامی عرب با عجم، تاریخ تمدن این دو قوم را هم دوش می‌سازد. همان‌طور که مردم مسلمان ایران جشن‌های پرشکوه ملی و کهن خود نظیر نوروز را حتی پس از پذیرش اسلام حراست کردند و هم دوش با آن‌ها اعیاد اسلامی مانند عید فطر را محترم شمردند، اکنون نیز مبدأ تاریخ قمری را که روحانی و قدسی است با همان صورت اصلی که در تقویم‌های ایران ثبت است جاودانه نگه‌دارند و درعین حال گاهنامه هجری شمسی را متروک گردانند. نویسنده به جای تقویم شمسی سه مبدأ تاریخ مستقل را که نماینده فرهنگ نیاکان ایران است پیشنهاد می‌دهد: یکی گاهنامه دینی که از

زمان فرمانروایی جمشید است و ۱۲۹۳۵ سال از آن می‌گذرد. مبدأ بعدی آغاز دور ایران نوین یعنی در زمان‌های پیش از هخامنشیان شروع شده است و ۸۱۶۶ سال از آن می‌گذرد. سومین مبدأ هم که تاریخ سیاسی است و از ۵۳۹ ق.م سلطنت کوروش آغاز می‌گردد و تا به امروز ۲۵۰۰ سال گذشته است. (حکمت ۱۳۵۲: ۳۵-۴۴)

۲.۳ زمینه‌های سیاسی تغییر تقویم

در آبان ۱۳۴۵ / نوامبر ۱۹۶۶، مجید کفایی خراسانی از اعضای وزارت خارجه نامه‌ای به محمدرضا شاه نوشت با این موضوع که مبدأ گاه‌شماری رسمی ایران را به‌جای هجرت پیامبر، تاریخ تأسیس شاهنشاهی هخامنشی قرار دهد. در این موقع شاه و اطرافیان به این پیشنهاد توجهی نکردند اما در سال ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۱ م، دوباره این پیشنهاد طی نامه دیگر تکرار شد و برای توجیه و تبیین این پیشنهاد، کفایی نزد شاه رفت. (امین ۱۳۸۴: ۳۰)

هم‌زمان با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی، محمد فرمند معاون سیاسی وزارت کشور در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۵۰ / ۳ جولای ۱۹۷۱ شرحی برای شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران نوشته که در سال ۱۳۴۶ ش / ۱۹۶۷ م درباره اصلاح تاریخ تقویم ایران و تأسیس تاریخ جدید شاهنشاهی گزارشی به وزارت کشور داده است تا به عرض شاه برسد و از طرف دفتر مخصوص شاهنشاهی برای تحقیق به دانشگاه تهران ارجاع گردیده است و پس از اصلاح و تأیید دانشگاه برای رسیدگی به هیئت دولت تقدیم و نظر مثبت دولت به شاه اعلام شده و به تصویب رسیده است و در ابتدا می‌خواستند تا در سال برگزاری مراسم جشن دو هزار و پانصدساله شاهنشاهی تقویم نیز تغییر کند اما نظر کمیسیون هماهنگی برنامه‌های جشن شاهنشاهی ایران مطرح گردید و نظر کمیسیون این بود که چون آشنا ساختن مردم کشور با تقویم شاهنشاهی احتیاج به‌مرورزمان دارد فعلاً در کلیه تقویم‌ها علاوه بر سنوات موجود، تاریخ سال شاهنشاهی که شروع آن ۵۵۹ ق.م است و دو هزار و پانصدمین سال آن، سال جلوس محمدرضا شاه است، اضافه شود تا پس از آشنایی عمومی، سال شاهنشاهی جایگزین سایر تقاویم گردد. (جشن‌های... ۱۳۷۷: ۷۵/۴)

۴. پیشنهاد دربار برای تغییر تقویم

در ۲۰ آذر ۱۳۵۴ / ۱۱ دسامبر ۱۹۷۵ شجاع‌الدین شفا، معاون فرهنگی و مطبوعاتی دربار، درباره تغییر تاریخ رسمی ایران به بنیان‌گذاری شاهنشاهی کوروش گزارش داد: «در ایران از تقویم هجری قمری و شمسی و میلادی استفاده می‌شود که تاریخ هجری قمری و میلادی اصالت دارند ولی تاریخ هجری شمسی ابداع استثنایی است که باعث شده کشور ما از کلیه

کشورهای مسلمان و غیرمسلمان جهان جدا شود. منطقی تر آن است که تاریخ کاملاً ایرانی یعنی تاریخ شاهنشاهی رایج شود و تاریخ اسلامی همان هجری قمری باشد. تاریخ شاهنشاهی ۲۵۱۳ خواهد شد که بر مبنای بنیان‌گذاری شاهنشاهی کوروش است که با اضافه کردن عدد ۱۱۶۰ به تاریخ شمسی، تاریخ شاهنشاهی به دست می‌آید.» (کمام، ۱۰/۷/۴/۹۷۰/۷)

در ۲۶ آذر ۱۳۵۴ / ۱۷ دسامبر ۱۹۷۵ جلسه‌ای به درخواست نخست‌وزیر هویدا، با حضور شفا معاون دربار، بهروز معاون سازمان برنامه و هدایتی معاون نخست‌وزیر در دربار مطرح شد که: «تقویم شمسی نه یک تقویم ایرانی است و نه یک تقویم مذهبی؛ زیرا در زمان خلافت معتضد وضع گردیده است و سال‌ها بعد توسط غازان خان و سلطان جلال‌الدین اصلاح شده است و در اواخر دوره قاجاریه معمول گشته است و تقویم مذهبی ایرانیان همان تقویم هجری قمری است. عیب دیگر تقویم شمسی این است که ما ۲۵۰۰ سال تاریخ مدون داریم ولی با این تقویم بیش از ۱۴۳۶ سال را نمی‌توان شماره کرد و برای مطالعه تاریخ باستان باید به تقویم میلادی رجوع کرد. باید تقویمی را جایگزین کنیم که یادآور شکوه شاهنشاهی ایران باشد.» (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

در این جلسه سه پیشنهاد برای مبدأ تاریخ شاهنشاهی داده شد. شفا سال ۵۳۹ ق.م را پیشنهاد داد که مقارن بود با فتح بابل به دست کوروش و صدور منشور کوروش و سال ۲۵۰۰ آن مقارن بود با صدور منشور شاهنشاه درباره انقلاب سفید. اشکال این پیشنهاد آن بود که قسمتی از تاریخ شاهنشاهی یعنی جلوس کوروش تا فتح بابل را در بر نمی‌گرفت و دیگر اینکه مبدأ تاریخ شاهنشاهی با آزادی قوم بنی‌اسرائیل مقارن می‌شد و مناسب به نظر نمی‌رسید. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

هدایتی سال ۵۵۹ ق.م را که همان سال جلوس کوروش بود به‌عنوان مبدأ تاریخ شاهنشاهی پیشنهاد داد. حسن این پیشنهاد این است که تمام تاریخ شاهنشاهی ایران را در برمی‌گرفت و سال ۲۵۰۰ آن با سال جلوس محمدرضا پهلوی مقارن بود و دو رقم آخر این تاریخ نشان‌دهنده سال‌های سلطنت شاهنشاه بود. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

پیشنهاد بهروز سال فرضی تولد کوروش بود. فرض کنیم کوروش در بیست‌ویک‌سالگی به سلطنت رسیده بود در این صورت سال ۲۵۰۰ آن با کودتای ۱۲۹۹ رضاشاه مقارن می‌شد؛ اشکال این پیشنهاد این بود که مبتنی بر فرض بود و دوم اینکه تولد مؤسس

شاهنشاهی را نمی‌توان به‌عنوان مبدأ پذیرفت. قرار می‌شود تا محمدرضا پهلوی بین این سه پیشنهاد یکی را برگزیند. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

محمدرضا شاه سال جلوس کوروش ۵۵۹ ق.م را به‌عنوان مبدأ تقویم شاهنشاهی ایران برگزید. تنها تغییری که در تقویم‌ها و تاریخ‌ها باید داده می‌شد اضافه کردن عدد ۱۱۸۰ به کلیه تاریخ‌های هجری شمسی بود و تغییری در تاریخ‌های هجری قمری و یا میلادی داده نمی‌شد. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م پنجاهمین سالگرد سلطنت پهلوی بود به همین خاطر شاه در تدارک جشن بزرگی بود و تأکید داشت که تقویم از ابتدای سال ۱۳۵۵ش/۱۹۷۶م، شاهنشاهی باشد.

زینت توفیق، احمد اشرف، محمود عنایت و شاهرخ مسکوب از جمله کارشناسانی بودند که ایراداتی را به مباحث جلسه‌سه نفر هدایتی، شفا و بهروز مطرح کردند. این ایرادات عبارت بودند از:

۱. ایجاد تقویم هجری شمسی در زمان معتضد رد شده زیرا پیش از حمله اعراب گاه‌شماری ایرانیان شمسی بود نه قمری. ۲. ایجاد تقویمی تازه نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند بلکه گاه‌شماری چهارمی هم به قبلی‌ها اضافه می‌کند. کتاب‌هایی که تاکنون به چاپ رسیده‌اند با تاریخ شمسی و قمری و میلادی است اگر گاه‌شماری دیگری اضافه شود باز هم باید سال‌ها را تبدیل کرد؛ ۳. تغییر تقویم رابطه ایرانیان را با دوران اسلامی مخدوش می‌کند. ۴. تغییر تقویم امری سیاسی نیست که گزارش آن را مقامات سیاسی به شاه بدهند این موضوع مربوط به تاریخ و فرهنگ است و باید از افراد صاحب‌نظر دعوت به عمل بیاید. ۵. چند مورد اشتباه تاریخی هم در طرح وجود داشت. سلطان جلال الدوله ملک‌شاه سلجوقی دو قرن قبل از غازان خان می‌زیسته است در زمان او تقویم جلالی معمول شد و در آخر تقویم شمسی هرچند تقویم مذهبی نیست اما مبدأ آن هجرت پیامبر است با توجه به تبلیغاتی که در پاره‌ای از کشورهای عربی نسبت به ایران وجود دارد تغییر مبدأ بهانه‌ای است تا موجب تبلیغاتی علیه شاهنشاهی ایران گردد و درنهایت پیشنهاد می‌شود که موضوع با دقت نظر بیش‌تری بررسی گردد. (ساکما ۸۷۲۰-۲۲۰)

جلسه‌ای دیگر به فرمان شاه در ۱۸ بهمن ۱۳۵۴ / ۷ فوریه ۱۹۷۶ برای تغییر تقویم تشکیل شد. در این جلسه کیان‌پور وزیر اطلاعات و جهانگردی، هدایتی معاون اجرایی نخست‌وزیر، شجاع‌الدین شفا معاون فرهنگی دربار، امیر متقی معاون اداری دربار، جعفریان

معاون سازمان رادیو و تلویزیون، خطاب‌بخش معاون وزیر مشاور، امین صالحی مدیر فرهنگ و هنر و جهانگردی، باستانی‌پاریزی استاد تاریخ دانشگاه تهران، مصطفی کامکار استاد ریاضی دانشگاه تهران و شاهرخ مسکوب نماینده سازمان برنامه‌بودجه حضور داشتند. در این جلسه تعدادی موافق تغییر تقویم بودند و عده‌ای مخالف آن. ابتدای جلسه هدایتی به سایر افراد گوش زد کرد که «گزارش تبدیل تقویم به عرض شاهنشاه رسیده است و اراده شاه بر این است که حتماً این کار انجام شود.» (ساکما ۸۷۲۰-۲۲۰)

شفا، امیر متقی و کامکار از موافقان تغییر تقویم بودند و درباره ارزش ملی تغییر مبدأ سخن گفتند و مزایای این کار را بیش‌تر از مشکلاتی دانستند که ممکن است پیش آید، حتی کامکار پیشنهاد کرد که یک رصدخانه سلطنتی آریامهر در تهران ایجاد شود. (ساکما ۸۷۲۰-۲۲۰)

باستانی‌پاریزی اظهار داشت که از آنجایی که تقویم یک مقیاس است هر چه به اندازه‌های بین‌المللی نزدیک‌تر باشد بهتر است، این روزها سال میلادی جنبه بین‌المللی دارد و کشورهای آسیایی و اروپایی همه از این تقویم استفاده می‌کنند. تاریخ قمری را به سادگی نمی‌توان تبدیل به تاریخ جدید کرد و در کلاس درس تطبیق آن با سال‌های جدید مشکلات تازه به وجود می‌آورد. شاهرخ مسکوب توضیح داد که تقویم ارتباطی به برانگیختن حس ملی ندارد کما اینکه کشورهای مختلف دارای تقویم میلادی هستند. جعفریان اضافه کرد که اجرای این کار به طرحی نیاز دارد که چگونگی مواجهه با افکار عمومی را با بهترین روش مشخص کند تا به قبول بیانجامد. (ساکما ۸۷۲۰-۲۲۰)

سال‌ها بعد باستانی‌پاریزی شرح این جلسه را در اثر خود «شاهنامه آخرش خوش است» آورده است. از قرار معلوم محمداسماعیل رضوانی به این جلسه دعوت شده اما به علت مشغله زیاد، باستانی را به جای خود فرستاده بود. باستانی این‌گونه روایت می‌کند:

در آن مجلس حرف زیاد زده شد. یکی گفت اعراب و مسلمانان مخالفت می‌کنند، دیگری گفت افغان‌ها به خاطر ما تاریخ قمری خود را به شمسی تبدیل کرده‌اند... من چند سال پیش بحثی درباره تغییر تاریخ دارم که عملی نمی‌شود. نه تاریخ اسکندری و نه تاریخ اکبر و نه ملک‌شاه هیچ‌کدام باقی نمانده و مبدأ شمارش نشده. تاریخ را مسیح و محمد و تا حدی موسی ساخته‌اند و فعلاً جز این امکان ندارد تاریخی بدون پشتوانه مذهبی باقی بماند. (باستانی‌پاریزی ۱۳۹۶: ۳۶۰-۳۶۳)

باستانی پاریزی معتقد بود اگر قرار است تقویم تغییر کند بهتر است تقویم میلادی جایگزین شود. در این جلسه باستانی باینکه می‌دانست شاه گزارش این جلسه را می‌خواند مخالفت خود را مکتوب کرد.

قرار شد طرحی با همکاری وزارت اطلاعات و جهانگردی و سازمان رادیوتلوویزیون ملی ایران تهیه شود. این طرح سری برای این بود که به جهت تغییر تقویم، ابهامی در افکار عمومی باقی نماند. (مراسان، ۲، ۱۷۵۹۳) طرح توجیهی تغییر تقویم شمسی به شاهنشاهی در ۱۹ بهمن ۱۳۵۴ / ۸ فوریه ۱۹۷۶ آماده شد. هدف این طرح، چگونگی تغییر تقویم را توضیح می‌داد به نحوی که ایرانی از آن استقبال کند و غیر ایرانی علل وقوع این امر داخلی ایران را بشناسد. مخاطبان این طرح، افکار عمومی ملت ایران، افکار منطقه و افکار جهان بودند. در ابتدای این طرح رابطه افکار عمومی ملت ایران با سال هجری شمسی بررسی شد؛ ۱. در افکار عمومی ماه‌های مذهبی از محرم آغاز می‌شود و در ذی‌قعدة پایان می‌پذیرد پس ماه‌های فروردین تا اسفند، ماه‌های مذهبی نیست. (طراحان دقت کافی نداشتند که ماه‌های قمری با ذی‌حجه به پایان می‌رسد). ۲. مبدأ تقویم هجری شمسی یعنی هجرت پیامبر در افکار عمومی یک مبدأ مذهبی است. ۳. سال هجری شمسی جنبه مذهبی ندارد، اما حذف این تقویم افکار عمومی را به مبدأ آن متوجه می‌کند در این صورت جنبه مذهبی خواهد یافت. ۴. هر ایرانی همه حوادث زندگی خود اعم از سال تولد را به سال هجری شمسی می‌داند و به نحوی با این تقویم پیوند عاطفی دارد. ۵. هر ایرانی حوادث پنجاه سال اخیر را با تقویم شمسی می‌شناسد. ۶. مردم ایران عموماً از سال هجری قمری بی‌خبر هستند و در صحبت‌هایشان می‌گویند محرم ۱۳۴۵ که منظورشان ۱۳۴۵ شمسی است. ۷. به‌استثنای گروهی معدود، مردم نمی‌دانند که تقویم شمسی با شاهنشاهی پهلوی آغاز شده پس در صورتی که بی‌احتیاط مبدأ آغاز تقویم شمسی را ۱۳۰۴ مطرح کنیم، افکار عمومی به حذف تقویمی توجه خواهند کرد که معیار زمان‌سنجی شاهنشاهی پهلوی بوده است. ۸. جز معدودی مردم نمی‌دانند که تقویم شمسی در تاریخ ایران چگونه مورد استفاده بوده است. تقویم هجری شمسی در سال ۱۳۰۴/ش ۱۹۲۵م رسمیت یافت یعنی زمانی که رضاخان رئیس‌الوزرا بود، البته که رضاخان در تغییر تقویم هیچ دخالتی نداشت. (مشروح... شورای ملی، ۱۱ فروردین ۱۳۰۴، ۱۴۸/۵) ۹. مردم می‌دانند نوروز روز مذهبی نیست اما لحظات تحویل سال برای ملت جنبه تقدس دارد. در این ۹ مورد که ذکر شد حداقل پنج مورد آن نگاه مذهبی افکار عمومی به تقویم را نشان می‌دهد، این موضوع

نشان‌دهنده این بود که نویسندگان طرح تا حدودی افکار عمومی ملت ایران را می‌شناختند. (متما، ۱۷۱-۲-۵-۴۶۵-الف)

رابطه افکار عمومی با تقویم هجری قمری هم مورد ارزیابی قرار گرفت؛ ۱. ماه‌های قمری برای مردم ماه‌های مذهبی است اما سال قمری را به تدریج از یاد برده‌اند. ۲. روحانیون و عده‌ای از متعصبان مذهبی از سال قمری استفاده می‌کنند و سال هجری شمسی به‌هیچ‌وجه برای روحانیون معتبر نیست. ۳. تاریخ حوادث بعد از اسلام در کتاب‌ها سال قمری است به‌استثنای عصر پهلوی. ۴. وقتی که مردم می‌گویند قرن چهارم به شمسی و قمری آن توجه ندارند بلکه از قرنی صحبت می‌کنند که مبدأ اسلامی دارد. ۵. به دلیل به کار رفتن تقویم هجری شمسی در پنجاه سال گذشته، تقویم قمری در ذهن مردم از نظر سنجش سال‌ها متروک شده است. (متما، ۱۷۱-۲-۵-۴۶۵-الف)

سعی شد تا با این اقدامات افکار عمومی توجیه شود: ۱. به چگونگی رابطه افکار عمومی با سال‌های قمری و شمسی و روز و ماه این سال‌ها توجه شود. ۲. مقام سال هجری قمری در افکار عمومی برجسته شود: مثلاً گفته شود در کشورهای اسلامی سال مذهبی فقط سال قمری است و سال شمسی مفهومی ندارد و این کشورها تاریخ میلادی را به کار می‌برند و سال قمری فقط از نظر ماه‌ها مثل رمضان کاربرد دارد اما در ایران ماه‌های بیش‌تری از سال قمری مورد توجه است مانند رمضان، محرم و صفر به همین دلیل سال قمری برای ایرانیان معتبرتر از سایر کشورهای اسلامی است و کلیه حوادث تاریخی بعد از اسلام با سال قمری مشخص شده است. ۳. ضمن مباحث مختلف، اعتبار مذهبی را از سال شمسی سلب کنیم. ۴. بر دلایل علمی بودن سال شمسی و پیوند آن با ماه‌های شمسی تأکید شود. ۵. برای افکار عمومی توضیح داده شود که رابطه ایران با کشورهای جهان به‌وسیله تاریخ میلادی است. ۶. بنابراین با این اقدامات افکار عمومی به این نتیجه می‌رسد که تقویم هجری قمری تنها تقویم مذهبی ایران است، تقویم شمسی همه تاریخ ملت ایران را در بر نمی‌گیرد، تقویم شاهنشاهی تنها تقویم ملی ایران خواهد بود و انتخاب آن به‌هیچ‌وجه به مفهوم حذف یک تقویم مذهبی نیست. ۷. بحث درباره این مسائل از سوی مراجع علمی تاریخ آغاز شود مثل انجمن تاریخ‌دانان؛ ۸. آغاز اعلام مباحث از روزنامه‌ها به‌صورت متفرق باشد. ۹. بر اساس آنچه در این طرح آمد اجرای طرح تا رسیدن به اعلام تقویم شاهنشاهی از پیش معین نخواهد بود و می‌تواند تا سال ۱۳۵۶ ش/ ۱۹۷۷م به طول انجامد. ۱۰. درباره لزوم داشتن تقویم شاهنشاهی باید بر این نکته تأکید کرد که رضاشاه لزوم داشتن یک تقویم

علمی و ملی را دریافت و اینک تقویم شاهنشاهی شکل تکامل یافته اراده بنیان‌گذار ایران نو است. (متما، ۱۳۵-۲-۱۷۱-الف)

نویسندگان این طرح باینکه درباره رابطه افکار عمومی ملت ایران با سال شمسی بر این نکته تأکید کردند که حذف تقویم شمسی، افکار عمومی را به مبدأ آن تقویم متوجه می‌کند، اما راه‌حل درستی برای این نکته پیدا نکردند. مبدأ هجرت حضرت محمد از مکه به مدینه یک نماد اسلامی بود و تغییر تقویم در این دوره به معنای تغییر مبدأ آن بود، تغییر نماد اسلامی و جایگزین کردن نماد شاهنشاهی برای مردم مسلمان غیرقابل‌پذیرش بود و این نکته‌ای بود که نویسندگان طرح به آن توجه نکردند. در این طرح تأکید شده بود که از عجله در تغییر دادن تقویم پرهیز شود و به‌نوعی تصریح شده بود که حداقل تا سال ۱۳۵۶ ش/۱۹۷۷م تقویم تغییر نکند تا شاید اذهان مردم با اقدامات این طرح تحول یابد اما حکومت به این طرح اعتنا نکرد اراده شاه بر این بود که هر چه زودتر این اتفاق محقق شود.

این طرح توجیهاتی برای افکار منطقه و هم‌چنین افکار جهان داشت. کشورهای عربی هم‌جوار به‌واسطه پیشرفت ایران در این سال‌ها می‌گفتند چرا ایران به دوران قبل از اسلام تکیه می‌کند؟ پس توضیح این تغییر از حساسیت‌ها می‌کاست؛ اما از نظر ملت‌های پیشرفته جهان، قدمت تاریخ ایران ارزشمند بود و تغییر تقویم از نظر سیاستمداران این ملت‌ها نشان‌گر توجه ایران به رشد فرهنگ ایرانی بود. (متما، ۱۳۵-۲-۱۷۱-الف)

شاه طرح توجیهی را تأیید کرد اما گفت که امسال تقویم تغییر پیدا کند، برنامه عملی شود و گفته شود که مسلمانان (اعراب) سال مسیحی دارند و ما سال قمری و ایرانی. (کمام، ۱۰/۷/۴/۹۷۰/۷)

علم در یادداشت‌های خود به تاریخ ۱۰ اسفند ۱۳۵۴ / ۲۹ فوریه ۱۹۷۶ درباره تغییر تقویم می‌گوید:

شاهنشاه به این کار علاقه دارد زیرا که خود مرد تاریخ، خود تاریخ و محول تاریخ است و می‌خواهد که مبدأ تاریخ هم بشود و حق هم با او است. عرض کردم تکیه‌ما باید بر تاریخ هجری (قمری) باشد که از لحاظ مذهبی مورد قبول است ولی از لحاظ ملی این تاریخ شمسی اختراع یکی از خلفای اموی است برای گرفتن باج از ایران و بی‌جهت در سابق، ما آن را تاریخ ملی کرده‌ایم ولی چون در زمان شاهنشاه فقید قانونی شده، باید حال، دو

مجلس قانون بگذارند و تاریخ شاهنشاهی را جایگزین کنند. شاه فرمودند قبل از عید این کار قطعی شود. (علم ۱۳۹۳: ۴۷۸/۵)

شاه خود را کوروش زمان می‌دید پس مبدائی با سلطنت کوروش گویا مبدأ سلطنت خود او بود.

آخرین جلسه بررسی تغییر تقویم در ۲۳ اسفند ۱۳۵۴ / ۱۳ مارس ۱۹۷۶ تشکیل گردید. در این جلسه افرادی هم چون خسرو بهروز، معاون سازمان برنامه، حسن جمشیدی پور، ستاره‌شناس دانشگاه تهران، پرویز مرآت، دبیر فرهنگستان شاهنشاهی، لطف‌الله مفخم‌پایان، مشاور پژوهشی سازمان جغرافیایی، مصطفی کامکار پارسی، استاد دانشگاه تهران، منوچهر بهرامی، دانشیار دانشگاه تهران، محمود جعفریان، معاون سازمان رادیو و تلویزیون، ایرج منصوری دارا، رئیس دفتر شناخت انفورماتیک و محمدرضا صیاد، دانشجوی علوم کامپیوتر دانشگاه تهران، حضور داشتند. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

در این نشست آغاز تاریخ شاهنشاهی کشور ایران، از نخستین سال پادشاهی کوروش بزرگ (یکشنبه یکم فروردین، در ۲۵۳۴ سال پیش ۱۱۶۶ سال پس از رصد نیمروز) تعیین شد و نخستین روز سال یکم فروردین باشد. رصدخانه‌ای به نام رصدخانه شاهنشاهی بنا شود که ستاره‌شناسان از این به بعد تمام محاسبات نجومی و سالنامه ایران را در آنجا انجام دهند. سالنامه‌ای به نام سالنامه شاهنشاهی ایران، از آغاز شاهنشاهی کوروش بزرگ تهیه و چاپ شود که در هر صفحه یک ماه از تاریخ شاهنشاهی خورشیدی با روزهای هفته و رویدادهای تاریخی ذکر و در برابر هرروز، روزهای مربوط به سال‌های هجری قمری و میلادی نوشته شود. از این به بعد برای تعیین سال‌های خورشیدی کافی است رقم ۱۱۸۰ را به سال‌های هجری شمسی اضافه کرد تا سال‌های شاهنشاهی خورشیدی به دست آید. (ساکما، ۸۷۲۰-۲۲۰)

در آخرین جلسه از استادان تاریخ دعوت به عمل نیامده بود، احتمالاً به این علت که در جلسه گذشته، استادان تاریخ موافق تغییر تقویم نبودند. در این جلسه همه اعضا فقط برای تأیید کردن این موضوع آمده بودند نه اینکه بتوانند انتقادی انجام دهند و این جلسه کاملاً تشریفاتی بود که فقط منویات شاه را به انجام رساند.

۵. تصویب قانون تغییر تقویم در مجلسین

لایحه تغییر تقویم از شمسی به شاهنشاهی در روز ۲۴ اسفند ۱۳۵۴ / ۱۴ مارس ۱۹۷۶ هم‌زمان با سالروز تولد رضاشاه و به مناسبت برگزاری آیین ملی بزرگداشت پنجاهمین سال شاهنشاهی پهلوی، در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی و سنا، به تصویب رسید. مذاکرات این جلسه مجلسین به صورت کتاب در دوره پهلوی دوم چاپ شد. در این کتاب بیان شده است که:

تصمیم تاریخی نمایندگان ملت ایران در روز ۲۴ اسفند ۲۵۳۴ (۱۳۵۴) مبنی بر انتخاب تقویم شاهنشاهی با مبدأ سال جلوس نخستین شاهنشاه ایران بر اریکه سلطنت، باعث شد تا تمدن ما که در زوایای تاریخ غرب پنهان بود، منصفه ظهور برسد. هم‌چنین سرزمین ما از تاریخی با هویت ملی و علمی برخوردار شد و جهانیان دانستند که شاهنشاهی ایران در طول بیش از بیست و پنج قرن روندی بی‌وقفه داشته و ایران امروز در نقطه اوج این روند رو به تعالی قرار گرفته است. (مبدأ تاریخ شاهنشاهی ۱۳۵۵: ۴-۷)

شریف امامی، رئیس مجلس سنا و عیسی صدیق، عماد تربتی، شوکت ملک جهانیانی از سناتورها و هلاکو رامبد، مصطفی الموتی و مهین‌دخت صنیع از نمایندگان مجلس شورای ملی فقط به تجلیل از رضاشاه و پسرش پرداختند اما هیچ‌کدام درباره تغییر تقویم سخنی نگفتند. (مبدأ تاریخ شاهنشاهی ۱۳۵۵: ۹-۹۷)

هویدا درباره تغییر تقویم گفت:

با این تصمیم هم چنان تقویم هجری قمری که تاریخ مذهبی ما است به جای خود محفوظ خواهد ماند اما با این تصمیم می‌خواهیم نشان دهیم روزی که به دین اسلام مشرف شدیم دوازده قرن از تاریخ ملت و تمدن و فرهنگ ما می‌گذشت. هویدا تأکید داشت که ما امروز صاحب یک تاریخ ایرانی و هم یک تاریخ اسلامی هستیم و دیگر نیازی نیست برای یادآوری قسمتی از تاریخ خود به تقویم میلادی متکی باشیم. (مبدأ تاریخ شاهنشاهی ۱۳۵۵: ۹۸-۱۰۲)

تأکید هویدا بر اینکه تقویم قمری به جای خود باقی است نشان از نگرانی از اعتراض مردم به این موضوع است، امری که شاه به آن خیلی اعتنا نکرد.

حکومت به این نتیجه رسیده بود که تغییر مبدأ تقویم برای افراد مذهبی جامعه خوشایند نخواهد بود و با پررنگ کردن نقش تقویم هجری قمری به عنوان تقویم مذهبی ایران سعی در آرام کردن افکار جامعه داشت به همین منظور در این جلسه مشترک سناتور محمدعلی

علامه وحیدی که خود به نوعی از مذهبیان جامعه به شمار می‌رفت سعی در توجیه این تغییر، بر اساس آیات قرآن کریم برآمد. او استنباط کرد که مطابق دین اسلام، اطاعت از پادشاهان واجب است. وی مصداق ذوالقرنین در آیه ۸۲ سوره کهف را هم کوروش در نظر گرفت. (مبدا تاریخ شاهنشاهی ۱۳۵۵: ۱۰۳-۱۰۷)

۶. انعکاس خبر تغییر تقویم در روزنامه‌ها

روزنامه‌ها مقالاتی درباره تغییر مبدا و نظام شاهنشاهی در جهت تأیید تغییر تقویم به چاپ رساندند. روزنامه رستاخیز که ارگان رسمی حزب رستاخیز بود مقاله‌ای با عنوان سرآغاز فرخنده برای گاهنامه ایرانی نوشت که در آن اشاره شد در گزینش مبدا از خودبزرگ‌بینی پرهیز شده، می‌توانستیم مبدا اساطیری تاریخ خود را برگزینیم. (رستاخیز، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴: ۵/۲۶۵) این روزنامه در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۵۴ / ۱۶ مارس ۱۹۷۶ با چهار محقق ایرانی ذبیح‌الله صفا، غلامرضا دادبه، حسنعلی شیبانی و محمود بنی‌هاشم درباره تغییر مبدا است و این چهار نفر تغییر مبدا را امر بسیار بزرگ و خوبی دانستند. در مقاله دیگری در همین شماره آمده که «طبیعی‌ترین حق یک ملت آن است که بدانند چند سال از عمرش گذشته است». از این پس دیگر مفاهیمی به نام ایران باستان، ایران دیروز و ایران امروز نخواهیم داشت. (رستاخیز، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴: ۱۹/۲۶۶-۲۱)

روزنامه کیهان مطالب زیادی درباره‌ی ایران باستان و تغییر تقویم به چاپ رساند. گزارش آخرین جلسه قبل از تصویب تغییر تقویم با حضور دانشمندان ایرج منصوری دارا و ... که در مطالب قبل به آن اشاره شد را آورده است و می‌گوید که در این جلسه سه مبدا را در نظر گرفته‌اند پادشاهی کیومرث، تأسیس رصدخانه سیستان و تاج‌گذاری کوروش. البته در سندی که ذکر آن بالاتر آمد این سه مبدا در آن موجود نبود. در مقاله‌ای دیگر به تاریخ چندین هزارساله‌ی ایران پرداخته و تأکید شده که ما تقویم قمری هم داریم اما از تقویم میلادی استفاده نمی‌کنیم. مقاله‌ای دیگر در باب تحسین تاریخ شاهنشاهی نوشته شده است؛ تقویم جدید، تقویمی است که عظمت ایران و اسلام را در خود دارد. دنیا، تمدن ما را با تاریخ میلادی دیگر اندازه نمی‌گیرد. به دنیای اسلام پیشنهاد می‌دهد که از تاریخ قمری استفاده کنند. (کیهان، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴: ۵/۹۸۱۳-۶)

در ۲۶ اسفند ۱۳۵۴ روزنامه کیهان با عباس ریاضی‌کرمانی در باب تقویم‌های ایران باستان گفت‌وگویی کرده است. (کیهان، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴: ۹/۹۸۱۴) این روزنامه با احمد آزر می‌گفت‌وگویی درباره گاه‌شماری شاهنشاهی دارد. به نظر او این گاه‌شمار بازگشتی

است به تمدن دیرینه سال ایرانی، با بهره‌گیری از این گاه‌شمار نیازی نیست از تاریخ میلادی استفاده کنیم. تاریخ هجری شمسی، تاریخ مذهبی نیست و گاه‌شمار مذهبی ما همان هجری قمری است. رضاشاه نیاز ملت به گاه‌شماری را دریافت و تقویم شمسی را به سبب نزدیک بودن به آیین و سنن ایرانیان برگزید و در میان مردم خوش جایگزین گشت. تردیدی نیست که گاه‌شماری شاهنشاهی هم پس از مدتی جای خود را در میان ملت خواهد یافت. (کیهان، ۲۷ اسفند ۱۳۵۴، ۳۵/۹۸۱۵)

روزنامه‌اطلاعات هم نظر چند تن از استادان دانشگاه را درباره این تغییر جویا شده است. هوشنگ نهاوندی، رئیس دانشگاه تهران، فرهنگ مهر، رئیس دانشگاه پهلوی شیراز، هشترودی محقق ایرانی که همگی معتقدند تغییر تقویم از کارهای بسیار مهم است و نقطه عطفی در تاریخ جهان محسوب می‌شود. (اطلاعات، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴: ۳۱-۵/۱۴۹۶۰)

روزنامه آیندگان که بنیان‌گذارش داریوش همایون بود با خسرو بهروز درباره این تغییر گفت‌وگویی انجام داد. خسرو بهروز معتقد بود «تقویم شاهنشاهی دقیق‌ترین تقویم جهان است و به‌زودی همه کشورهای دنیا تقویم شاهنشاهی را که مبدأ و مکان مشخصی دارد را خواهند پذیرفت و تمام دنیا تحت یک شرایط و با یک تقویم علمی کار خواهند کرد.» (آیندگان، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴: ۴/۲۴۷۲)

داریوش همایون خود یکی از طرفداران تغییر تقویم بود. او نیز از تقویم شمسی ایراد می‌گرفت که این تقویم نه به کار مذهبمان می‌آید و نه به کار تاریخمان، اما گاه‌شمار شاهنشاهی برای کاربردهای روزانه و تاریخی و گاه‌شمار قمری برای کاربردهای مذهبی نیازهای ما را برآورده خواهد کرد. (مبدأ تاریخ شاهنشاهی ۱۳۵۵: ۱۰۸-۱۱۶)

۷. واکنش‌ها به تغییر مبدأ تقویم

پس از اعلام این تصمیم، افراد زیادی به این تغییر واکنش نشان دادند اما مهم‌ترین گروه، روحانیون بودند. روحانیون که فقط تاریخ هجری قمری برای آن‌ها قابل استناد بود و حتی از تاریخ هجری شمسی هم استفاده نمی‌کردند، چطور می‌توانستند تغییر مبدأ و تاریخ شاهنشاهی را پذیرا باشند.

روحانیون این تغییرات باستان‌گرایانه را اعلان نبردی با مذهبی‌ها می‌دانستند و این حرکت را اقدامی نمادین در جهت مخالفت با نمادهای اسلامی- شیعی تعبیر می‌کردند. رژیم پهلوی با خوانشی جدید به تبیین ابعاد نمادین ایران باستان پرداخت و فقط به شکوه

شاهنشاهی تأکید کرد و به همسویی جهان نمادین ایران باستان و اسلام وقعی نهاد. (استوار ۱۳۹۱: ۱۵۹، ۴۳)

در ۴ مهر ۱۳۵۵ / ۲۶ سپتامبر ۱۹۷۶ م حدود شش ماه پس از تغییر تقویم ایران، امام خمینی که در عراق به تبعید به سر می‌برد به مناسبت عید فطر پیامی به عموم مسلمین و دانشجویان نوشت. وی معتقد بود که «شاه برای تضعیف اسلام و محو نام آن، نغمه‌ی تغییر مبدأ تاریخ را ساز کرد.» از ملت می‌خواست که با استعمال این تاریخ جنایتکار مخالفت کنند و این تغییر را هتک اسلام می‌دانست. در آخر استعمال این تاریخ را بر عموم حرام و این عمل را پشتیبانی از ستمکار و ظالم و مخالفت با اسلام عدالت‌خواه می‌دانست. (صحیفه امام ۱۳۸۵: ۱۷۰/۳)

امام تغییر تقویم را به معنای گرایش حکومت به دین زرتشت می‌دانست و طرفداران امام هم به تبعیت از او این تغییر را نشانه‌ی زرتشتی‌گرایی حکومت می‌دانستند. (صحیفه امام ۱۳۸۵: ۲۶۷)

شاه به هیچ عنوان اعتراضات نیروهای مذهبی و روحانیون را در خصوص تغییر تقویم جدی نگرفت. او پس از اعتراض آیت‌الله گلپایگانی هیچ اعتنایی به تلگراف او نکرد و حتی پس از اعتراض آیت‌الله خوانساری به علم گفت «ما تقویم هجری قمری را که همیشه مورد استفاده‌ی علما بوده را تغییر ندادیم و علما چه وقت به سال هجری شمسی عمل می‌کردید که الآن یقه‌درانی می‌کنید.» (علم ۱۳۹۳: ۵۰۳/۵)

شاه معتقد بود برای احیای فرهنگ ایرانی با همه‌ی اصالت و زیبایی‌اش مبنای تاریخ کشور را به آغاز دوران هخامنشیان بازگردانده بدون اینکه تقویم قمری را کنار بگذارد. او تأکید داشت که ایران دو تقویم دارد شاهنشاهی و قمری که اولی تقویم تاریخی و دومی تقویم مذهبی است؛ اما شاه به این نکته توجه نداشت که تغییر تقویم شمسی به منزله‌ی تغییر تقویم مذهبی کشور بود زیرا مبدأ تقویم، مذهبی بود. (پهلوی ۱۳۷۵ ج: ۲۲۴)

شاه روحیه‌ی باستان‌گرایی داشت اما تغییر تقویم از آن جهت نبود که شاه نسبت به اسلام و پیامبر اسلام بی‌اعتقاد بود؛ برعکس او خود را مؤمن و وابسته به امامان می‌دانست و معتقد بود که خداوند حافظ شاه بوده است. (پهلوی ۱۳۴۹ ب: ۶۶) اما ایمان و اعتقاد درونی افراد کافی نیست بلکه عملکرد بیرونی آن‌ها مهم است. شاه شاید از نظر خودش فردی مؤمن و معتقد بود اما عملکرد و اقداماتش خلاف آن را نشان می‌داد.

شاه می‌توانست به جای تقویم شاهنشاهی از تقویم میلادی استفاده کند؛ زیرا بسیاری از کشورها مانند هند، ژاپن و حتی کشورهای منطقه مانند ترکیه، پاکستان و ... از تقویم میلادی استفاده می‌کردند تا از لحاظ روابط بین‌الملل، معاملات بانکی و فعالیت‌های اقتصادی بتوانند با جامعه جهانی هماهنگ شوند؛ اما شاه که در پی نشان دادن قدمت تاریخ ایران و هم‌چنین متمایز کردن خود در جامعه بود، تاریخ شاهنشاهی را برگزید.

شاه در تنظیم الگوی جهان‌نمادین باستان و تجدد، جهان‌نمادین اسلامی را و نهاد و فرصت خوبی را در اختیار روشنفکران و روحانیون قرار داد که با اتکا به این جهان‌نمادین اذهان مردم را متحول سازند و از الگوی اسلامی-شیعی نهایت بهره را ببرند. (استوار ۱۳۹۱: ۲۲۱)

۸. نتیجه‌گیری

در دوران حکومت محمدرضا شاه، اندیشه‌های ناسیونالیستی به اوج رسیده بود و حکومت به دنبال نمادهای باستان‌گرایی بود. باستان‌گرایی یک سرمایه‌نمادین برای حکومت بود که از این سرمایه برای مشروع‌سازی قدرت خود بهره می‌برد. یکی از این نمادها تقویم بود. محمدرضا شاه هم‌زمان با برگزاری جشن‌های دو هزار و پانصدساله به دنبال تغییر تقویم بود اما نظرات کارشناسان این بود که هنوز برای تغییر تقویم زود است زیرا اذهان مردم برای این تغییر آماده نیست. در این دوره کتاب‌هایی انتشار یافت که در آن به ضرورت تغییر تقویم اشاره شد، گاه‌شماری‌هایی ابداع گشت که مبدأ آن را سلطنت کوروش قرار داده بود. شاه بعد از تک‌حزبی کردن حکومت و با رشد روزافزون درآمدهای نفتی، قدرت بسیاری به دست آورد و خود را بی‌نیاز از مردم جامعه می‌دید و تصمیماتی اتخاذ کرد بدون اینکه به تبعات این تصمیم‌ها بیندیشد. طرح تغییر تقویم از دربار بود و بدون مشورت کارشناسان به این نتیجه رسیده بودند که تقویم باید تغییر پذیرد و اغلب کارشناسان مخالف این تغییر بودند. در طرح سری که برای تغییر تقویم تهیه شده بود بر این موضوع تأکید شد که هنوز هم انجام این تغییر زود است؛ اما اراده شاه این بود که هم‌زمان با پنجاهمین سالگرد سلطنت پهلوی، تقویم شاهنشاهی شود و بعد از چند ماه در جلسه مشترک مجلس سنا و شورای ملی که جنبه تشریفاتی داشت تصویب گردید که مبدأ تقویم سال جلوس کوروش یعنی سال ۵۵۹ ق.م شود و در این جلسه تأکید داشتند که تقویم هجری قمری برای امور مذهبی باقی است. از جمله اهداف تغییر تقویم، نشان دادن قدمت ایران به جوامع غربی و اینکه قبل از میلاد مسیح ایران تاریخ باشکوهی داشته با این کار دیگر احتیاجی به تقویم میلادی

نیست. شاه در صدد حذف دین اسلام نبود بلکه معتقد بود برای مذهب‌یون تقویم قمری وجود دارد اما روحانیون این اقدام را نتیجه ضدیت شاه با دین می دانستند و از این ماجرا بیشترین بهره را برای مخالفت با شاه بردند. شاه برای تبلیغ تفکر باستان گرایی سعی در برجسته سازی نمادهای ایران باستان داشت که تغییر مبدا تقویم هم یکی از آنها بود. شاه همه گیری این نمادها را نشانه ای از باستان گرایی و پایایی اندیشه شاهنشاهی در ایران می دانست و از آن برای مشروع سازی حکومت خود بهره می برد که دقیقاً نکته ای است که بوردیو در سیر تحول نمادها و استفاده از سرمایه نمادین در مشروع سازی روابط قدرت بدان اشاره کرده است.

کتابنامه

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، شناسه سند ۸۷۲۰-۲۰۹۶:۲۲۰-۲۶۴.

کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (کمام)، ۱۰/۷/۴/۹۷۰/۷.

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان)، شماره پرونده ۱۷۵۹۳، ص ۲.

موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران (متما)، ۵-۴۶۵-۲-۱۷۱-الف.

کتابها

آبراهامیان، یرواند (۱۳۹۲)، *ایران بین دو انقلاب؛ درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*

معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.

استوار، مجید (۱۳۹۱)، *انقلاب اسلامی و نبرد نماها*، تهران: معاونت پژوهشی پژوهشکده

امام خمینی و انقلاب اسلامی.

باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۹۶)، *شاهنامه آخرش خوش است*، تهران: علم.

بهروزی، محمدجواد (۱۳۵۰)، *تقویم تاریخی فرهنگی هنری ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران*،

شیراز: کانون تربیت.

بیگدلو، رضا (۱۳۸۰)، *باستانگرایی در تاریخ معاصر ایران*، تهران: نشر مرکز.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۴۹ ب)، *مأموریت برای وطنم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۵۶ الف)، *به سوی تمدن بزرگ*، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ

سیاسی دوران پهلوی.

پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۵ ج)، *پاسخ به تاریخ*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: سیمیرغ.

- تقی زاده، حسن (۱۳۸۱)، بیست مقاله تقی‌زاده، ترجمه احمد آرام و کیکاوس جهاننداری، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی به روایت اسناد ساواک و دربار: بزم اهریمن (۱۳۷۷)، ج ۴، ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- حکمت، فروغ (۱۳۵۲)، مبدأ تاریخ ایران می‌باید تغییر پذیرد (تاریخ هجری قمری و شمسی نمی‌تواند شناسنامه حیات معنوی ایران باشد)، تهران: انتشارات وحید.
- شفا، شجاع‌الدین (۱۳۷۹)، جنایت و مکافات ایران: سیری در نخستین انقلاب سیاه تاریخ جهان، پاریس: فرزاد.
- صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (۱۳۸۵)، ج ۳، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- عامری، صغری (۱۳۹۵)، باستان‌گرایی در دوره پهلوی با تکیه بر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- علم، امیر اسدالله (۱۳۹۳)، یادداشت‌های علم، ج ۵، ویرایش علینقی عالیخانی، تهران: مازیار: معین.
- قاسملو، فرید (۱۳۸۲)، دانشنامه جهان اسلام، ذیل مدخل «تقویم»، ج ۷، تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- لاینگ، مارگارت (۱۳۷۱)، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران: نشر البرز.
- مبدأ تاریخ شاهنشاهی (۱۳۵۵)، تهران: وزارت اطلاعات و جهانگردی.
- مجله سخن (۱۳۶۳)، تهران: انتشارات علمی.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۳)، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران؛ از کودتا تا انقلاب، ج ۱، تهران: موسسه رسا.
- نراقی، احسان (۱۳۸۲)، از کاخ شاه تا زندان اوین، ترجمه سعید آذری، تهران: رسا.
- همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳)، اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- مقاله
- امین، حسن (مهر ۱۳۸۴)، «تبدیل گاه‌شماری شمسی به گاه‌شماری شاهنشاهی»، ماهنامه حافظ، ش ۱۹، ص ۳۰-۳۲.
- روزنامه‌ها

آیندگان، ش ۲۴۷۲، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴.

اطلاعات، ش ۱۴۹۶۰، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴.

رستاخیز، ش ۲۶۵، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴.

رستاخیز، ش ۲۶۶، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴.

کاوه، دوره جدید، ش ۴، ۲۱ فروردین ۱۳۰۰.

کیهان، ش ۹۸۱۳، ۲۵ اسفند ۱۳۵۴.

کیهان، ش ۹۸۱۴، ۲۶ اسفند ۱۳۵۴.

کیهان، ش ۹۸۱۵، ۲۷ اسفند ۱۳۵۴.

منابع وبی

لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی..



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی